



شماره بیست و پنجم

پاییز ۱۳۹۲

صفحات ۱۶۰-۱۳۵

بررسی ساخت سببی در زبان تاتی

دکتر محمد راسخ‌مهند *

دانشیار زبان‌شناسی دانشگاه بوعلی‌سینای همدان

راحله ایزدی‌فر

دانشجوی دکتری زبان‌شناسی دانشگاه بوعلی‌سینای همدان

چکیده

سببی بودن یکی از موارد تقابل افعال به شمار می‌رود که به تقابل میان افعال سببی، غیرسببی و ناگذرا اشاره دارد. این ساخت‌ها از حیث ظرفیت معنایی با یکدیگر متفاوت‌اند و این تفاوت در ساخت نحوی آنها بازتاب یافته‌است. در مقاله حاضر انواع ساخت سببی در زبان تاتی بررسی شده و در سه گروه کلی سببی‌های تحلیلی، ساخت‌واژی و واژگانی تقسیم‌بندی شده‌اند. در ادامه با استفاده از استدلال‌های زبان‌شناسی نقش‌گرا نشان داده شده که سببی بودن یا نبودن در این زبان یک تقسیم‌بندی قطعی نیست، بلکه پیوستاری است که افعال براساس داشتن عامل به وجود آورنده رویداد و عمدی بودن عمل فعل، بر روی این پیوستار قرار می‌گیرند.

واژگان کلیدی: سببی، غیرسببی، ناگذرا، زبان تاتی، گونه دروی

*rasekh@basu.ac.ir

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۱/۱۲/۱۴

نشانی پست الکترونیکی نویسنده مسؤل:

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۱/۱۰/۹

۱- مقدمه

در مورد ساخت سببی در زبان‌های مختلف جهان، پژوهش‌هایی در حوزه‌های مختلف زبان‌شناسی صورت گرفته‌است که از مهم‌ترین آنها می‌توان به کامری^۱ (۱۹۸۹)، هسپلمت^۲ (۲۰۰۸) و گیلکوین^۳ (۲۰۰۶) اشاره کرد. دربارهٔ ساخت سببی در زبان تاتی پژوهش متمرکزی انجام نگرفته و از میان ساخت‌های سببی مختلف، از جمله سببی تحلیلی،^۴ ساخت‌واژی^۵ و واژگانی،^۶ در منابع موجود در مورد زبان تاتی تنها به ساخت‌های سببی ساخت‌واژی با افزودن وند سببی اشاره شده‌است. در این مقاله دو هدف کلی مورد نظر است: ابتدا معرفی ساخت‌های سببی مختلف در زبان تاتی و سپس بررسی ساخت‌های سببی در این زبان از منظر زبان‌شناسی نقشی-رده‌شناختی. بدین منظور، گونهٔ تاتی روستای درو (dərav) از توابع شهرستان شاهرود خلخال برای انجام بخش اصلی این پژوهش انتخاب شده‌است. علت این انتخاب، وجود منابع مرتبط در مورد این گونهٔ زبان تاتی بوده‌است که از آن جمله می‌توان به فرهنگ تاتی (سبزیلیپور، ۱۳۹۰) و بررسی تطبیقی ساخت فعل در گویش‌های تاتی (خلخال)، تالشی و گیلکی (سبزیلیپور، ۱۳۸۸ الف) اشاره کرد.^(۱) البته از دیگر منابع موجود در مورد زبان تاتی نیز استفاده شده‌است که از آن جمله می‌توان به یارشاطر^۷ (۱۹۶۹) اشاره کرد.

ساختار این مقاله مشتمل بر پنج بخش است: بخش نخست مقدمه است. بخش دوم به مرور آثار مرتبط با ساخت سببی در زبان‌های جهان و زبان فارسی می‌پردازد و چارچوب نقش‌گرایی هایمن^۸ (۱۹۸۳) و هسپلمت (۲۰۰۸) را - که در بخش اصلی این مقاله استفاده می‌شود، معرفی می‌کند. بخش سوم به بررسی ساخت سببی در زبان تاتی اختصاص دارد. بخش چهارم به بحث در مورد ساخت‌های سببی زبان تاتی در پیوستار سببی چارچوب نقشی-رده‌شناختی می‌پردازد و بخش پنجم نتیجه‌گیری مباحث است.

-
1. Comrie
 2. Haspelmath
 3. Gilquin
 4. analytic causative
 5. morphological causative
 6. lexical causative
 7. Yar-shater
 8. Haiman

۲- ساخت سببی

لیندزی ویلی^۱ در بررسی رده‌شناختی ساختار دستوری زبان‌های جهان، رابطه‌ای را که در آن تصور می‌رود یک رخداد سبب وقوع رخداد دیگر می‌شود، سببی‌سازی نامیده‌است (به نقل از زاهدی و خوشبخت قهرخی، ۱۳۸۹: ۱۳۴). کامری (۱۹۸۹: ۱۶۵) هر رویداد سببی را شامل دو جزء می‌داند که عبارت‌اند از سبب^۲ و تأثیر^۳ یا نتیجه^۴ سبب، و این دو موقعیت موقعیت در یکدیگر می‌آمیزند تا یک موقعیت کلان پیچیده حاصل گردد که رویداد سببی است. مثال ۱ مفهوم سببی را نشان می‌دهد:

۱. من به اتوبوس نرسیدم، در نتیجه دیر به کلاس رسیدم.

سبب/ علت نتیجه/ اثر

دبیرمقدم (۱۳۸۴: ۱۹) ساخت‌های سببی را مجموعه جملاتی می‌داند که در آن شخصی، حادثه‌ای و یا پدیده‌ای که سبب^۵ نامیده می‌شود، محرک و انگیزه‌ای می‌گردد تا تا شخص دیگری یا شیئی که مسبب^۶ نامیده می‌شود، عملی را انجام دهد، پذیرای حالتی شود و یا در حالتی باقی بماند.

به لحاظ زبان‌شناختی تنها گروهی از عبارات سببی در زمره ساخت‌های سببی قرار گرفته‌اند که در آنها مفهوم سبب در فعل جای دارد. در ساخت‌های سببی ایده‌آل، عامل دارای کنترل بر تحقق یا عدم تحقق نتیجه، سبب است و قدرت حصول نتیجه را دارد (کامری ۱۹۸۹: ۱۷۱).

لیکاف^۷ (۱۹۸۷: ۵۵-۵۴) ویژگی‌های سببی نمونه‌اعلاء را چنین برشمرده‌است:

- کنشگری^۸ وجود دارد که عملی را انجام می‌دهد؛
- کنش‌پذیری^۹ وجود دارد که تغییر وضعیتی جدید را پذیرا می‌شود؛
- دو ویژگی بالا یک رخداد را تشکیل می‌دهند و هم‌پوشی زمانی و مکانی دارند و با یکدیگر مرتبط‌اند؛

1. Lindsay J Whaley
2. cause
3. effect
4. result
5. causer
6. causee
7. Lakooof
8. agent
9. patient

- قسمتی از آنچه که کنشگر انجام می‌دهد، پیش از تغییر کنش‌پذیر رخ می‌دهد؛
- کنشگر (سبب‌ساز) منبع انرژی است و کنش‌پذیر (سبب‌پذیر) هدف انرژی و در رخداد سببی این انرژی از کنشگر به کنش‌پذیر انتقال می‌یابد.

ساخت‌های سببی به لحاظ معنایی پیچیده‌تر از ساخت غیرسببی معادل خود هستند و براساس تصویرگونگی پیچیدگی، معانی پیچیده‌تر با صورت‌ها^۱ یا عبارت‌های پیچیده‌تر بیان می‌شوند و معانی نشان‌دار با عبارت‌های نشان‌دار (گیون، ۱۹۹۱؛ به نقل از هسپلمت، ۲۰۰۸ و کرافت، ۲۰۰۳: ۱۰۲). پس ساخت‌های سببی نیز با عبارت‌های پیچیده‌تری نسبت به ساخت‌های غیرسببی بیان می‌شوند، برای مثال فعل سببی «خوراندن» در فارسی دارای معنا و در نتیجه صورت پیچیده‌تری از فعل غیرسببی «خوردن» است. فعل‌های سببی، ناگذرا^۲ و غیرسببی به صورت یکسان از یکدیگر مشتق نمی‌شوند. گاهی صورت سببی دارای نشانه آشکاری است و براساس صورت غیرسببی ساخته می‌شود (مانند خوردن/ خوراندن) و گاهی ساخت ناگذرا دارای نشانه آشکار است و براساس فعل سببی ساخته می‌شود که این موارد ضدسببی^۳ نیز نامیده می‌شوند (مانند sich öffnen / öffnen = بازکردن و بازشدن در زبان آلمانی). کامری (۱۹۸۹: ۱۷۱) براساس پارامترهای صوری، ساخت‌های سببی را در سه گروه سببی‌های تحلیلی (مرکب)، سببی‌های ساخت‌واژی (تکوژی) و سببی‌های واژگانی تقسیم کرده‌است که بر پیوستاری قرار می‌گیرند. در یک سوی این پیوستار، سببی‌های تحلیلی قرار دارند که سببی‌های صرفی / ساخت‌واژی ادامه می‌یابند و به سببی‌های واژگانی در سوی دیگر پیوستار ختم می‌شوند.

۲-۱- سببی‌های تحلیلی (مرکب)

فعل سببی تحلیلی یا مرکب به فعلی گفته می‌شود که احتیاج به یک جمله متمم دارد و به عبارت دیگر، ساختی که آن فعل در آن ظاهر می‌شود، همیشه دارای یک جمله پایه و یک جمله پیرو متمم است (دبیرمقدم ۱۳۸۴: ۲۰). در سببی‌های تحلیلی، افعال مجزایی برای بیان مفهوم سبب و تأثیر آن به کار می‌روند؛ مانند «احمد باعث شد جوجه بمیرد»

1. forms
2. incoative
3. anticausative

که در آن دو فعل مجزای «باعث شدن» (سبب) و «مردن» (تأثیر) وجود دارد. در جمله «پلیس وادارش کرد که آنجا را ترک کند» نیز دو گزاره کاملاً منفرد وجود دارد که یکی سبب و علت بروز رخداد را نشان می‌دهد (وادار کردن) و دیگری تأثیر حاصل از آن را (ترک کردن). این نوع سببی همواره مرکب از دو جمله‌واره است که یکی پایه و دیگری پیرو است (گلفام و بهرامی‌خورشید، ۱۳۸۸: ۱۵۰). سببی‌های تحلیلی در زبان‌های جهان طبیعی محسوب نمی‌شوند و بسامد کاربرد بسیار کمتری نسبت به سایر ساخت‌های سببی دارند (کامری، ۱۹۸۹: ۱۶۷).

۲-۲- سببی‌های ساخت‌واژی

ساخت سببی در سببی‌های ساخت‌واژی با ابزاری صرفی همچون وند با فعل غیرسببی معادل خود مرتبط است. سببی‌های ساخت‌واژی در زبان‌های مختلف، خود به سه نوع تقسیم می‌شوند: در گروه نخست، فعل سببی از فعل غیرسببی ساخته می‌شود. برای مثال رابطهٔ وندافزایی به فعل غیرسببی بین دو فعل خوردن و خوراندن (سبب خوردن شدن) و نیز ترسیدن و ترساندن (سبب ترسیدن شدن) وجود دارد. در فارسی میانهٔ غربی نیز مادهٔ واداری یا سببی از اضافه شدن -ēn به پایان مادهٔ مضارع ساخته می‌شد و برای مثال در فارسی میانهٔ ترفانی، ward (گردیدن) در مقابل ward-ēn (گرداندن) به کار می‌رفت (ابوالقاسمی، ۱۳۸۸: ۵۲). در گروه دوم، افعال غیرسببی لازم که در این موارد ناگذرا نامیده می‌شود، از فعل سببی متعدی اشتقاق می‌یابد؛ برای مثال در زبان روسی، فعل 'lomat' sja' (شکستن - لازم) از معادل متعدی خود 'lomat' (شکستن / متعدی) مشتق شده است (همان: ۱۶۸).

در گروه سوم سببی‌های ساخت‌واژی، نمی‌توان جهت اشتقاق صرفی را مشخص کرد. در یک زیرگروه از این دسته، افعال ناگذرا و سببی همسان هستند و بین صورت سببی و جفت غیرسببی آن هیچ‌گونه تغییر و دگرگونی مشاهده نمی‌شود، مانند ریختن (لازم-ناگذرا) در برابر ریختن (متعدی-سببی) و یا شکستن (لازم) در برابر شکستن (متعدی). در زیرگروهی دیگر نیز، افعالی که با افزودن فعل کمکی به پایهٔ فعلی یکسان ساخته می‌شوند قرار دارند، برای مثال در فارسی می‌توان فعل سببی «گرم کردن» را معادل فعل

ناگذرای «گرم‌شدن» دانست (راسخ‌مهند، ۱۳۸۸: ۱۰۸) و فعل سببی «نشان‌دادن» معادل فعل غیرسببی «دیدن» است (دبیرمقدم، ۱۳۸۴: ۵۱).

۲-۳- سببی‌های واژگانی

هرگاه رابطه سبب و تأثیر آن به قدری غیرنظام‌مند باشد که نتوان آن را به کمک فرایندهای زایای ساخت‌واژی نشان داد، رابطه موجود به صورت واژگانی تجلی می‌یابد (کامری، ۱۹۸۹: ۱۶۸). رابطه «مردن/ کشتن» در گروه سببی‌های واژگانی قرار دارد. در این گروه، رابطه بیان تأثیر و بیان سبب در یک واژه درآمیخته است و هیچ نظمی در رابطه صوری دو عضو این جفت افعال دیده نمی‌شود. دبیرمقدم (۱۳۸۴: ۴۹) رابطه غیرسببی- سببی بین افعالی نظیر فعل لازم «شکستن» و فعل متعدی «شکستن»، فعل لازم «مردن» و فعل متعدی «کشتن»، و فعل مرکب لازم «آتش‌گرفتن» و فعل مرکب متعدی «آتش‌زدن» را سببی ریشه‌ای نامیده، که از جنبه معنایی سببی هستند اما فاقد تکواژی قابل تفکیک‌اند که منطبق با معنای سببی آن باشد.

تمایز بین گروه‌های سببی مختلف قطعی نیست. این گروه‌ها بر پیوستاری قرار می‌گیرند و می‌توان ساخت‌های سببی را در قالب میزان کاهش دو فعل یا گزاره مجزا (سبب و تأثیر) به صورت یک فعل یا گزاره رده‌بندی کرد (کامری ۱۹۸۹: ۱۶۹).

از لحاظ مفهومی در بسیاری از زبان‌های جهان، فعل‌هایی که در تغییر سببی به ناگذرا شرکت می‌کنند، معمولاً فعل‌های تغییر حالت‌اند (هسپلمت، ۱۹۹۳: ۹۰)؛ مانند «شکستن»، «ریختن» و «پختن». برای مثال به تغییر حالت در جفت فعل‌های سببی-

ناگذرای ۲ و ۳ توجه کنید:

۲. الف) احمد شیشه را شکست.

ب) شیشه شکست.

۳. الف) مینا آب را ریخت.

ب) آب ریخت.

مهم‌ترین ویژگی تغییر سببی به ناگذرا این است که فاعل گونه لازم و مفعول گونه متعدی دارای نقش معنایی یکسان‌اند. هسپلمت (۲۰۰۲: ۲۱۳) فرایند ناگذرا را فرایندی دانسته که عامل جمله معلوم را حذف می‌کند و کنش‌پذیر/ پذیرا را به جای آن به‌عنوان

فاعل جمله قرار می‌دهد و در نتیجه در زمره فرایندهای تغییر ظرفیت معنایی فعل به

شمار می‌رود. برای مثال:

۴. الف) احمد در را باز کرد.

ب) در باز شد.

در فعل‌های تغییر سببی به ناگذرا، گونه لازم نشان‌دهنده یک تغییر حالت است و گونه متعدی علاوه بر تغییر حالت یک چیز، نشان‌دهنده یک سبب یا عامل این تغییر حالت نیز هست و می‌توان آن را به شکل «باعث فعل لازم شدن» نیز تعبیر کرد. برای مثال به جملات (۵) توجه کنید:

۵. الف) آب گرم شد.

ب) مینا آب را گرم کرد.

جمله ۵- الف نشان‌دهنده تغییر حالت آب است، در حالی که جمله متعدی ۶- ب نشان می‌دهد مینا باعث گرم شدن آب و تغییر حالت آن شده است. یکی از نشانه‌های وجود عامل در جمله، کاربرد قید «خودبه‌خود» است. بر این اساس در جمله ۶- الف می‌توان از قید «خودبه‌خود» که نشانه وجود گذاشتن عامل در جمله است استفاده کرد و گفت: «آب خودبه‌خود گرم شد»؛ بنابراین ساخت‌های ناگذرا در ظرفیت معنایی خود فاقد عامل یا فاعل معنایی‌اند (راسخ‌مهند، ۱۳۸۸: ۱۰۶).

۳- ساخت سببی در زبان تاتی

تاتی یکی از زبان‌های ایرانی نو، شاخه شمال غربی است. این زبان به دو گروه شمالی و جنوبی تقسیم می‌شود که گروه شمالی در خارج از ایران، در داغستان و جمهوری آذربایجان، و گروه جنوبی در ایران در مناطقی در جنوب غربی قزوین، اشتهارد کرج، خلخال (دو بخش شاهرود و خورش رستم)، زنجان، آذربایجان شرقی، الموت و کوهپایه، رودبار و شمال خراسان تکلم می‌شود. تاتی خلخال یکی از گویش‌های زبان تاتی است که به علت در برداشتن ویژگی‌های زبانی کهن و ارتباطش با زبان آذری (زبان قدیم آذربایجان) بیشتر مورد توجه زبان‌شناسان بوده است. منابع اصلی پژوهش کنونی از گونه تاتی روستای درو شهرستان شاهرود خلخال جمع‌آوری شده و از دیگر گونه‌های زبان تاتی نیز مثال‌هایی ذکر شده است.

در تاتی از ساخت سببی تحلیلی، ساخت‌واژی و واژگانی برای بیان عبارات سببی استفاده می‌شود که در این بخش به بررسی هر یک از این ساخت‌ها پرداخته‌ایم.

۳-۱- سببی‌های تحلیلی

در ساخت‌های سببی تحلیلی در زبان تاتی، دو مفهوم سبب و تأثیر آن در دو جمله‌واره مجزا قرار دارند. برای مثال:

6. a) Zinat čəman bâis bæbe, az b-â-m. زینت باعث شد من بیایم.
Zinat me cause becme I Sub-come-1sg
- b) Safar čəman bâis bæbe, qazâ b-ar-əm. صفر باعث شد غذا بخورم.
Safar me cause became food Sub-eat-1sg
- c) čəman mâr man majbur bəkard qazâ bə-pej-əm. مادرم مجبورم کرد غذا بپزم.
my mother I force did food Sub-cook-1sg
- d) gâv bâis bæbe xərdanə bə-xur-ənd. گاو باعث شد بچه‌ها بخندند.
cow cause become children Sub-laugh-3pl

در ساخت‌های سببی تحلیلی، سبب و نتیجه لزوماً در یک مکان یا زمان رخ نمی‌دهند و بین سبب و مسبب تماس فیزیکی وجود ندارد (دبیرمقدم، ۱۳۸۴: ۲۰). در ساخت‌های سببی تحلیلی در تاتی، فعل دوم، یعنی نتیجه، در بندِ پیرو و دارای وجه التزامی است.

در زبان تاتی بین سببی‌های تحلیلی و واژگانی یا ساخت‌واژی، تقابل معنایی وجود دارد. وجود این تقابل در زبان فارسی نیز اثبات شده‌است. زاهدی و خوشبخت قهرخی (۱۳۸۹: ۱۴۳) این تقابل را در قالب شمایل‌گونگی فاصله مطرح کرده‌اند که در آن انطباق فاصله‌صوری و مفهومی در یک ساخت زبانی مطرح است و این تقابل را در ساخت‌های سببی مرکب (تحلیلی) و ساده (ساخت‌واژی یا واژگانی) با دو مثال زیر نشان داده‌اند:

۷. الف) دلکک باعث شد که بچه‌های پرورشگاه حسایی بخندند (ساخت سببی مرکب- تحلیلی).
ب) دلکک بچه‌های پرورشگاه را حسایی خنداند (ساخت سببی ساده- ساخت‌واژی).

در ۷. الف مفهوم سببی از طریق دو ساخت‌واره زمان‌دار «دلکک باعث شد» و «بچه‌های پرورشگاه حسایی بخندند» بیان شده و در نتیجه در این ساخت شاهد بروز دو فعل «باعث‌شدن» و «خندیدن» هستیم، پس فاصله‌خاستگاه «دلکک» تا نتیجه

«حسابی خندیدن» به دلیل فعل «باعث شدن» به لحاظ صوری زیاد می‌شود؛ اما در ۷. ب مفهوم سببیت تنها با یک ساخت‌وارهٔ زمان‌دار منفرد بیان شده و تنها یک فعل محمول مفهوم سببی می‌شود، بنابراین فاصلهٔ سبب و نتیجه در این ساخت نسبت به ساخت سببی مرکب کمتر است. به عبارت دیگر، تأثیر سبب بر نتیجه در ۷. الف به صورت غیرمستقیم است و تأثیر آن بر نتیجه کم می‌شود، در نتیجه فاصلهٔ مفهومی میان سبب و نتیجه زیاد می‌شود و این حالت در شکل صوری ساخت سببی بازتاب یافته و موجب ایجاد ساخت سببی مرکب می‌گردد (همان: ۱۴۵-۱۴۳). این تقابل در نمونه‌های تاتی ذکر شده نیز وجود دارد و مقایسهٔ این جملات با جملات سببی ساخت‌واژی و واژگانی نشان می‌دهد که در جملات شامل ساخت سببی تحلیلی، فاصلهٔ سبب و نتیجه بیشتر از جملات سببی ساخت‌واژی و واژگانی است. این تقابل را می‌توان با مقایسهٔ ساخت سببی ساده در ۸. الف و ساخت سببی مرکب در ۸. ب مشاهده کرد:

8. a) *dalqak-ə xərdanān bə-xur-əvən-əs.* دلکک بچه‌ها را خندانند.

clown-Obl children Per-laugh-cause-Pst

b) *a merdak bâis bəbe marsa xərdanə bə-xur-ənd.*

آن مرد باعث شد بچه‌های مدرسه بخندند.

that man cause become school children Sub-laugh-3pl

۳-۲- سببی‌های ساخت‌واژی

در تاتی گونهٔ دروی، برای ساختن صورت‌های سببی و ناگذرا سه امکان وجود دارد:

۱- افزودن پسوند $(ə/â)n$ یا $-âvən$ به ریشهٔ فعل لازم؛ ۲- تغییر همکرد فعلی پایهٔ فعلی یکسان؛ ۳- افزودن پسوند $-î$ به ریشهٔ فعل سببی برای ساختن افعال ناگذرا. در ادامه هر یک از این گروه‌ها به تفصیل توضیح داده می‌شود.

۳-۲-۱- افزودن پسوند $(ə/â)n$ یا $-âvən$ به ریشهٔ فعل لازم

در این گروه، فعل سببی با افزودن پسوند سببی $-ân$ یا $(-ə)n$ یا $-âvən$ به ریشهٔ فعل لازم ساخته می‌شود. جدول ۱ نمونه‌هایی از فعل‌های سببی حاصل از افزودن پسوند $-ân$ را نشان می‌دهد:

جدول ۱ - ساخت سببی با افزودن پسوند *-ân* به ریشه فعل لازم (مثال‌ها از سبزی‌علیپور، ۱۳۹۰)

مصدر فعل متعدی سببی		مصدر فعل لازم یا ناگذرا	
<i>čilik-ân-əs-en</i>	پژمانیدن	<i>čilik-əs-en</i>	چروکیدن
<i>â-ləq-ân-əs-en</i>	گیردادن، آویزان کردن	<i>â-ləq-əs-en</i>	گیر کردن
<i>pevyar-ân-əd-en</i>	به بالا عبور دادن	<i>pevyar-en</i>	عبور کردن به بالا
<i>hayz-ân-əs-en</i>	برخیزاندن	<i>hašt-en</i> ماده مضارع <i>hayz</i>	برخاستن
<i>bəram-ân-əs-en</i>	گریاندن	<i>bəram-əs-en</i>	گریستن
<i>gəzar-ân-əs-en</i>	گذراندن	<i>gəzašt-en</i> ماده مضارع <i>gəzar</i>	گذشت کردن، بخشیدن
<i>nəš-ân-əs-en</i>	نشاندن	<i>nəš-t-en</i>	نشستن
<i>lang-ân-əs-en</i>	لنگانیدن	<i>lang-əs-en</i>	لنگیدن
<i>xəšk-ân-əs-en</i>	خشکاندن	<i>xəšk-i-s-en</i>	خشک شدن
<i>verij-ân-əs-en</i>	فراری دادن	<i>vərit-ən</i> ماده مضارع <i>vərij</i>	فرار کردن

در افعال جدول ۱، اجزای افعال با خط تیره مشخص شده‌است. پسوند *n(e)* در پایان افعال در تاتی دروی نشانه مصدر و *-d*، *-t*، *-i*، *-Ø*، *t(ə/s/ss)*، *-əs* پسوند ماضی‌ساز است و جزء ثابت فعل در مصدر، ساخت‌های ماضی (به استثنای ماضی استمراری، ماضی استمراری تمنایی و ماضی مستمر) و صفت مفعولی است (سبزی‌علیپور، ۱۳۹۰: ۱۷). برای نمونه به جمله‌های مثال ۹ توجه کنید:

9. a) *ka bə-larz-əs*.
house Per-shake-Pst
ساختمان لرزید.
- b) *bumalarza ka-š bə-lârz-ən-əs*.
earthquake house-Clt Per-shake-cause-Pst
زلزله ساختمان را لرزاند.

در برخی از فعل‌های تاتی، هم‌زمان با افزودن پسوند *n(e)* به ریشه فعل، گردش مصوت نیز در فعل رخ می‌دهد. در ریشه فعل لازم افعال این گروه، واکه *-a* وجود دارد که با افزودن پسوند سببی، واکه *-a* نیز به واکه *-â* تغییر می‌یابد تا فعل متعدی بسازد؛ یعنی گردش مصوت رخ می‌دهد. غالباً از این ساخت در تاتی برای ساخت فعل‌های سببی استفاده می‌شود (سبزی‌علیپور، ۱۳۸۸: ۴۴). نمونه‌هایی از این ساخت در جدول ۲ آمده‌است.

جدول ۲- ساخت سببی با افزودن پسوند $\hat{a}n$ - به ریشه فعل لازم و گردش مصوت (مثال‌ها از سبزیلیپور، ۱۳۹۰)

مصدر فعل متعدی سببی		مصدر فعل لازم یا ناگذرا	
gârd-ən-əs(t)-en	گرداندن	gard-əs(t)-en	گشتن
râs-ən-əs(t)-en	رساندن	ras-əs(t)-en	رسیدن
târs-ən-əs(t)-en	ترساندن	tars-əs(t)-en	ترسیدن
vâš-ən-əs(t)-en	روشن کردن	vaš-əs(t)-en	روشن بودن
čâr-n-əs(t)-en	چراندن	čar-əs(t)-en	چریدن
xâr-n-əs(t)-en	خاراندن	xar-əs(t)-en	خاریدن
ji-vâz-ən-əs(t)-en	فراری دادن	ji-vašt-en	فرار کردن، جهیدن

مثال ۱۰ نیز کاربرد این ساخت سببی را در جمله‌های تاتی نشان می‌دهد:

10. a) kitâv bæ-zar-i-s. کتاب پاره شد.

book Per-tear-Inc-Pst

b) Hamid-ə čəman kitâv be-zâr-n-əs. حمید کتابم را پاره کرد.

Hamid-Obl my book Per-tear-cause-Pst

دیگر پسوند سببی‌ساز در تاتی، پسوند $\hat{a}vən$ - است که به ریشه فعل لازم اضافه می‌شود. این پسوند کاربرد دیگری ندارد و تعداد فعل‌هایی که با این روش سببی می‌شوند، بسیار اندک‌اند. تعدادی از این افعال، هم با پسوند $\hat{a}n$ - و هم با پسوند $\hat{a}vən$ - سببی می‌شوند؛ مانند $xur-\hat{a}n-əs-en$ و $xur-\hat{a}vən-əs-en$ (خنداندن) و $gəl-\hat{a}n-əs-en$ و $gəl-\hat{a}vən-əs-en$ (جوشاندن) (سبزیلیپور، ۱۳۹۱: ۸۳). جدول (۳) نمونه‌هایی از افزودن پسوند $\hat{a}vən$ - برای ساخت فعل سببی را نشان می‌دهد.

جدول ۳- ساخت سببی با افزودن پسوند $\hat{a}vən$ - به ریشه فعل لازم (مثال‌ها از سبزیلیپور، ۱۳۹۰)

مصدر سببی		مصدر لازم	
lâsrang- $\hat{a}vən$ -əs-en	دل سرد کردن	lâsrang-əs-en	دل سرد شدن
xur- $\hat{a}vən$ -əs-en	خندانیدن	xur-əs-en	خندیدن
sər- $\hat{a}vən$ -əs-en	ریختن / به رانش واداشتن	sər-əs-en	ریختن
gəl- $\hat{a}vən$ -əs-en	جوشاندن	gəl-əs-en	جوشیدن

مثال‌های ۱۱ کاربرد پسوند سببی‌ساز -âvən- را در جمله نشان می‌دهد:

11. a) lāv bə-gəl-əs. آب جوشید.
water Per-boil-Pst
- b) Zinnat-ə lāv-əš bə-gəl-ân-əs. زینت آب را جوشاند.
inat-Obl water-Clt Per-boil-cause-Pst
- c) xərdanân bə-xur-əs-ind. بچه‌ها خندیدند.
children Per-laugh-Pst-3pl
- d) dalqak-ə xərdanân bə-xur-âvən-əs. دلکک بچه‌ها را خندانند.
clown-Obl children Per-laugh-cause-Pst

شواهدی از سببی‌سازی وندافزایی در گونه‌های دیگر تاتی نیز دیده می‌شود. برای مثال، سببی‌سازی با وندافزایی در گویش‌های تاتی منطقه بویین‌زهرای استان قزوین، روش اصلی سببی‌سازی محسوب می‌شود. وند سببی -en- در تمام گویش‌های این منطقه غیر از اشتهاردی به کار می‌رود. وند -ten/-den- تکواژ سببی رایج در گویش تاکستانی است و در گویش‌های دانسفهانی، خزینی و ابراهیم‌آبادی نیز رواج دارد و -enden- تکواژ سببی‌سازی در اشتهاردی است (یارشاطر، ۱۹۶۹: ۲۴۹-۲۴۶). مثال‌های ۱۲ تفاوت فعل لازم و سببی معادل آن را در گویش‌های این منطقه نشان می‌دهد (مثال‌ها از همان):

12. a) suj-/sut- (چالی) سوختن
besuj-en-assen سوزاندن
- b) be-šnâs-ten-astan (تاکستانی) شناختن
be-šnâs-ten-astan شناساندن
- c) berma (خیارجی) گریستن
bermenden گریاندن

۳-۲-۲- تغییر همکرد فعلی پایه فعلی یکسان

در گروه دوم از سببی‌های ساخت‌واژی در تاتی، افعالی که با تغییر همکرد فعلی در کنار عنصر غیرفعلی یکسان ساخته می‌شوند قرار دارند. جدول ۴ نمونه‌هایی از سببی‌سازی با استفاده از فعل کمکی را نشان می‌دهد.



جدول ۴- سببی‌سازی ساخت‌واژی با استفاده از تغییر همکرد فعلی در تاتی (مثال‌ها از سبزی‌علیپور، ۱۳۹۰).

مصدر متعدی سببی		مصدر لازم	
tâv darand-en	به عجله واداشتن	tâv gənəs-en	عجله کردن
hurry throw		hurry hit	
parân dakard-en	به جلو راندن	parân daši-en	به جلو رفتن
front pour		front enter	
havâla kard-en	درگیر کردن	havâla bi-en	درگیر شدن
assign do		assign be, become	
xurâsân âjand-en	به خنده انداختن	xurâsân âgənəs-en	به خنده افتادن
laughter accompany		laughter hit	
dâd âjand-en	به فریاد درآوردن	dâd kard-en	فریاد کردن
shout accompany		shout do	
dəq âjand-en	به دق واداشتن	dəq dakard-en	دق کردن
grief accompany		grief pour	
râ darand-en	راه انداختن	râ dagənəs-en	به راه افتادن
way throw		way fall	
garm lâkard-en	گرم کردن	garm lâbi-en	گرم شدن
warm do		warm become	
pâra kard-en	پاره کردن	pâra bi-en	پاره شدن
tear do		tear become	

مثال‌های ۱۳ سببی‌سازی با استفاده از تغییر همکرد فعلی را در جمله نشان می‌دهد:

13. a) lâv garm lâbe. آب گرم شد.

water warm become:Pst

b) lavə lâvəš garm lâkard.

او آب را گرم کرد.

He water warm make:Pst

c) xərđanân davâ bais bəbe lâfənd pāra bəbu.

دعوی بچه‌ها باعث شد طناب پاره شود

children fight cause become:Pst rope tear become

d) modir-ə kitāv pāra bə-kard.

معلم کتاب را پاره کرد.

teacher-Obl book tear Per-make:Pst

e) xərđanân kārton bind, xurâsân âgənəs-ind

بچه‌ها با دیدن کارتون به خنده افتادند.

children cartoon see:Pst laughter become-3pl

(تحت‌اللفظی: بچه‌ها کارتون دیدند و خندیدند).

f) kârtun-ə xərdanân xurəsân âjand. کارتون بچه‌ها را به خنده انداخت.
cartoon-Obl children laughter make:past

۳-۲-۳- افزودن پسوند -i به ریشه فعل سببی برای ساختن افعال ناگذرا

در گروه سوم ساخت‌های سببی در تاتی، افعال ناگذرا از فعل سببی معادل خود مشتق می‌شوند. در این افعال، پسوند -i به فعل سببی اضافه می‌شود تا معنای ناگذرای معادل آن حاصل شود. جدول ۵ نمونه‌هایی از این اشتقاق را نشان می‌دهد.

جدول ۵- اشتقاق ساخت ناگذرا از مصدر متعدی سببی در تاتی (مثال‌ها از سبزه‌علی‌پور، ۱۳۹۰)

مصدر سببی	مصدر ناگذرا		
su-en sun ماده مضارع	ساییدن	sun-i-s-en	ساییده‌شدن
fərĉi-en ferĉin- ماده مضارع	فشردن	fərĉin-i-s-en	فشرده‌شدن
parĉ-i-en	سپری کردن	parĉin-i-s-en	سپری‌شدن
kər-i-en kərn- ماده مضارع	به زمین کشیدن	kərn-i-s-en	بر زمین کشیده شدن
kan-d-en	کندن	kan-i-s-en	کنده‌شدن
davrâšt-en	برافراشتن	davrâz-i-s-en	برافراشته شدن
davəški-en	برهم زدن	davəškən-i-s-en	برهم زده شدن
dakəšt-en	خاموش کردن چراغ	dakəš-i-s-en	خاموش شدن
darânt-en	کشیدن طناب	darânj-i-s-en	کشیده‌شدن
jixašard-en	دفن کردن	jixašar-i-s-en	در جایی دفن شدن
lârzən-əs-en	لرزاندن	lârzən-i-s-en	لرزانده‌شدن/ لرزیدن
dafs-əs-en	چاله‌انداختن	dafs-i-s-en	چاله‌دار شدن
pex-əs-en	پوسیدن	pəx-i-s-en	پوسیدن
mâl-əs-en	مالیدن	mâl-i-s-en	مالیده‌شدن
əšk-əs-en	شکستن	əšk-i-s-en	شکستن
səj-es-en	سوختن	səj-i-s-en	سوختن
jizârn-əs-en	پاره کردن از پایین	jizar-i-s-en	پاره‌شدن از پایین
tâv-əs-en	گرم کردن	tâv-i-s-en	گرم‌شدن

هسپلمت (۲۰۰۲: ۲۰۹) فرایند ناگذرا را فرایندی می‌داند که عامل جمله معلوم را حذف می‌کند و کنش‌پذیر/ پذیرا را به جای آن به‌عنوان فاعل جمله قرار می‌دهد. او این



ساخت را نمونه‌ای از فرایندهایی می‌داند که ظرفیت معنایی فعل را دگرگون می‌سازد و به همین دلیل باید آن را در تقابل با ساخت سببی دانست، چون ساخت سببی هم، ساخت معنایی فعل را تغییر می‌دهد و یک عامل به ساخت معنایی هر فعلی که سببی می‌شود افزوده می‌گردد (همان: ۲۱۵). جملات ۱۴ نمونه‌هایی از ساخت ناگذرا در تاتی را نشان می‌دهد:

14. a) xalâvə ʔəšta rā varə bənə ku daxašar-i-s-ayn.
لباس‌ها خودبه‌خود زیر برف دفن شده‌اند.
clothes themselves Obl snow under Ps bury-Inc-Pst-3pl
- b) merdakân jənâzašân daxašard.
مردان جسد را دفن کردند
men corpse bury:Pst
- c) kissayə ʔəšta rā zeminə ku bə-kərn-i-s-ind.
کیسه‌ها خودبه‌خود روی زمین کشیده شدند.
sacks themselves Obl floor on Per-drag-Inc-Pst-3pl
- d) merdakə kisayân zaminə ku *bə-kər-n-i.
مرد کیسه‌ها را روی زمین کشید.
men sacks floor on Per-drag-Pres stem-Pst
- e) šiša ʔəšta rā bəšk-i-s.
شیشه خود به خود شکست.
glass itself Obl break-Inc-Pst
- f) ʔali šiša-š bəšk-əs.
علی شیشه را شکست.
ʔali glass-Clt break-Pst
- g) xərdanə šəvâr ʔəšta rā pezar-i-s.
child trousers itself Obl tear-Inc-Pst
- شلوار طفلک خودبه‌خود (از پوشیدگی) پاره شد.
- h) xərdana-təka ʔəstan šəvâr pezâr-n-əs tâ ʔəstan dabərisa ʔangišta davendə.
طفلک شلوارش را پاره کرد تا انگشت بریده‌اش را با آن ببندد.

از جمله ویژگی‌های ساخت ناگذرا در تاتی، می‌توان به کاربرد قید «ʔəšta rā» (برای خودش، خودبه‌خود) در جملات اشاره کرد که نشان می‌دهد عمل فعل بدون دخالت عامل و به صورت غیرعمدی انجام گرفته‌است. ویژگی دیگر جملات دارای ساخت ناگذرا در تاتی این است که آوردن نتیجه یا قصد انجام عمل در این جملات، سبب غیردستوری شدن آنها می‌شود؛ برای مثال:

15. *lâfənd šaxta ku vəs-i-s-a kə vasâyilə ebund.
rope coldness Ps tear- Pas-Pst-Per so that things fall:Pst

طناب از سرما قطع شد به منظور اینکه وسایل بریزند.

آلکسیادو^۱ و دیگران (۲۰۰۶) عنوان کرده‌اند که اگرچه اکثر افعال متعدی، مجهول می‌شوند، بسیاری از آنها را نمی‌توان به صورت ناگذرا آورد. بر این اساس، افعال متعدی که فاعل آنها حتماً باید عامل یا وسیله^۲ باشد و فاعل در انجام دادن عمل اختیار دارد و به‌طور مستقیم عمل می‌کند، نمی‌توانند ساخت ناگذرا بسازند، اما در صورتی که فاعل آنها دارای نقش معنایی سبب باشد، می‌توان آنها را به صورت ناگذرا درآورد. برای مثال در فارسی، فعل «قطع‌شدن» را می‌توان با سبب آورد و گفت «باد برق را قطع کرد»، و می‌توان جمله ناگذرای «برق قطع شد» را نیز به‌کار برد، اما فعل «خوردن» نیاز به عامل دارد (بچه شیرش را خورد) و نمی‌توان این فعل را در ساخت ناگذرای «*شیرش خودبه‌خود خورد/ خورده شد» به‌کار برد (دبیرمقدم، ۱۳۸۴: ۱۳ و راسخ‌مهند، ۱۳۸۸: ۱۰۴).

در زبان بختیاری، از زبان‌های ایرانی نو، نیز ساخت ناگذرا با استفاده از ریشه فعل به همراه -esd ساخته می‌شود؛ در این صورت موضوع کنشگر تنزل یافته یا حذف می‌شود و موضوع کنش‌پذیر در ابتدای جمله قرار می‌گیرد (اسلامی فارسانی، ۱۳۹۰: ۷۵). مثال ۱۶ ساخت ناگذرا را در زبان بختیاری نشان می‌دهد (همان):

16. band čak-esd.

طناب برید.

پسوند -i- در تاتی دروی علاوه بر نشانه ناگذرا بودن برخی افعال، به‌عنوان پسوند مجهول‌ساز نیز به‌کار می‌رود. برای ساخت مجهول در تاتی دروی پسوند -i- به ماده مضارع اضافه می‌شود و فعل مجهول شکل تصریفی دارد (سبزعلیپور، ۱۳۹۰: ۱۷؛ رضایتی کیشه‌خاله و جلاله‌وند آلکامی، ۱۳۹۰: ۱۹). جدول ۶ نمونه‌هایی از ساخت مجهول در تاتی را نشان می‌دهد.

جدول ۶- ساخت مجهول در تاتی (مثال‌ها از سبزعلیپور، ۱۳۹۰)

مصدر سببی		مصدر مجهول	
dəru-en	درو کردن	durn-i-s-en	درو شدن
čâr-n-əs-en	چرانیدن	čar-i-s-en	چریده شدن
duš-əs-en	دوشیدن	duš-i-s-en	دوشیده شدن
duť-en	دوختن	duj-i-s-en	دوخته شدن
duj- مضارع			
peran-d-en	آویزان کردن	peran-i-s-en	آویزان شدن

1. Alexiadou
2. instrument



dači-en ماده مضارع -dačîn	چیدن	dačîn-i-s-en	در چیزی چیده شدن
pekar-d-en	نصب کردن	pekar-i-s-en	نصب شدن

جملات ۱۷ ساخت مجهول را در تاتی نشان می‌دهند:

17. a) ʔəm lāx ʔaz qasd ʔəšk-i-sa. این شاخه از قصد شکسته شده‌است.
this branch from intention break-Pas-Pst
- b) ča šay ʔaz qasd zar-i-sa. پیراهنش از قصد پاره شده‌است.
his shirt from intention tear-Pas-Pst
- c) divâr xəl ʔaz qasd gir-i-sa. سوراخ دیوار از قصد گرفته شده‌است.
wall hole from intention get-Pas-Pst
- d) dâr ʔaz qasd pevaj-i-sa. درخت از قصد درآورده شده‌است.
tree from intention take out-Pas-Pst

در جملات ۱۷، عمل فعل به صورت عمدی و با دخالت عامل انجام شده و یکی از نشانه‌های عمدی بودن عمل فعل در جملات مجهول تاتی، استفاده از قید «ʔaz qasd» (از قصد) در این جملات است. در صورتی که قید «ʔəšta râ» (خودبه‌خود؛ تحت‌اللفظی؛ خودش) در جملات مجهول تاتی به کار رود، جمله براساس شم تات‌زبانان غیردستوری به شمار می‌رود. در جمله ۱۸ استفاده از قید «ʔəšta râ» سبب غیردستوری شدن این جملات مجهول شده‌است:

18. *šay ʔəšta râ duj-i-sa. پیراهن خود به خود دوخته شد.
shirt itself Ps sew-Pas-Pst

۳-۳- سببی‌های واژگانی

در این گروه افعال سببی واژگانی قرار دارند که ریشه دو فعل غیرسببی و سببی در آنها به لحاظ ساخت‌وازی کاملاً نامرتب است. جدول ۷ نمونه‌هایی از این گروه را نشان می‌دهد.

جدول ۷- ساخت سببی واژگانی در تاتی (مثال‌ها از سبزی‌علیپور، ۱۳۹۰)

مصدر سببی		مصدر غیرسببی	
kəšt-en	کشتن	mard-en	مردن
bar-d-en	بردن	ši-en	رفتن
zand-en	زاییدن	bi-en	به دنیا آمدن
dabard-en	به جایی بردن	dabi-en	در جایی بودن
ejand-en	انداختن	gənəs-en	افتادن

مثال‌های ۱۹ نمونه‌ای از کاربرد این ساخت را در تاتی نشان می‌دهند:

19. a) *lâv lēbe.* آب ریخت.
 water pour:Pst
 b) *xərdan-ə lāv lē-kard.* بچه آب را ریخت.
 child-Obl water down-pour:Pst
 c) *pira lasb bəmarđ.* اسب پیر مرد.
 old horse die:Pst
 d) *merdak-ə pira lasb bəkəšt.* مرد اسب پیر را کشت.
 man-Obl old horse kill:Pst

۴- پیوستار سببی در تاتی

سببی بودن را که عموماً به صورت انجام عملی از سوی یک عامل بر یک مسبب تعریف می‌شود، می‌توان به اجزاء سازنده‌اش تجزیه کرد؛ هریک از این اجزا به وجوه مختلف عمل سببی در بخشی از جمله می‌پردازد. این اجزا و وجوه در کنار یکدیگر موجب می‌شوند که یک جمله کم‌وبیش سببی یا غیرسببی باشد. به عبارت دیگر، یک پیوستار سببی وجود دارد که در صورتی که یک جمله دارای ویژگی‌های بیشتری به لحاظ سببی بودن باشد، سببی‌تر است و به ساخت سببی نمونه‌ای نزدیک‌تر می‌شود و در صورتی که تمام این ویژگی‌ها در یک جمله وجود داشته باشند، آن جمله دارای ساخت سببی ایده‌آل است (گیلکوین، ۲۰۰۶: ۳ و لیکاف، ۱۹۸۷: ۴۵-۴۴). یکی از نتایج تجزیه ساخت سببی به اجزاء سازنده‌اش، قابلیت پیش‌بینی این ویژگی‌هاست؛ در صورتی که جمله‌ای دارای برخی ویژگی‌های سببی باشد، احتمال داشتن سایر ویژگی‌های سببی در آن جمله بیشتر است. در این بخش از جملات زبان تاتی برای تأیید فرضیه پیوستار سببی در این زبان استفاده شده‌است. عوامل زیر در سببی شدن یک جمله یا بند در زبان تاتی تأثیرگذارند و براساس هریک از آنها پیوستاری برای سببی‌تر شدن یک جمله وجود دارد:

۴-۱- شرکت‌کنندگان

در ساخت‌های سببی دست‌کم دو شرکت‌کننده حضور دارند که یکی از آنها آغازکننده عمل است و دیگری تحت تأثیر عمل قرار می‌گیرد (هاپر و تامپسون، ۱۹۸۰^۱: ۲۵۴-۲۵۲).



به عبارت دیگر، در سوی سببی پیوستار، دست کم دو شرکت کننده در انجام عملی حضور دارند که یکی سبب انجام کار یا تغییر حالت دیگری می شود.

20. a) dalqak-ə xərdanân bə-xur-âvən-əs. سببی با ۲ شرکت کننده: دلک بچه‌ها را خندانند.
 clown-Obl children Per-laugh-cause-Pst
 b) čəman mâr čəman xalâv bə-dut. سببی با ۲ شرکت کننده: مادرم لباسم را دوخت.
 my mother my clothes Per-sew
 c) lâfənd pevs-i-s. ناگذرا با ۱ شرکت کننده: طناب پاره شد.
 rope tear-Inc-Pst
 d) ʔali lâfənd-əš pevs-əs. سببی با ۲ شرکت کننده: علی طناب را پاره کرد.
 Ali rope-Clt tear-past
 e) tə zurə-na xâv lâfəndə pə-vsənj-i. سببی با ۲ شرکت کننده:
 you force-with want rope up-tear-2sg:Pres. تو با زور می خواهی طناب را پاره کنی.

در ساخت‌های سببی تحلیلی نیز سه شرکت کننده حضور دارد:

21. čəman mâr man majbur bəkard qazâ bə-pej-əm. مادرم مجبورم کرد غذا بپزم.
 my mother I force made food Per-cook-1sg
 در جمله ۲۰، مادرم (عامل/causer) سبب شده من (مسبب/causee) غذا (کنش‌پذیر/patient) را بپزم. در این ساخت‌ها عامل یک موجود، نیرو یا رویداد است که مسبب را تغییر می دهد یا بر آن تأثیر می گذارد و کنش‌پذیر موجودی است که مسبب روی آن عملی را انجام می دهد (گیلکوبین، ۲۰۰۶: ۱۹).

در سوی دیگر پیوستار، افعالی قرار دارند که تنها یک موضوع فعلی در انجام فعل دخیل است؛ برای مثال:

22. a) xərdanân bə-xur-is-ind. بچه‌ها خندیدند.
 children Per-laugh-Pst-3pl
 b) pira ʔasb bə-mard. اسب پیر مرد.
 old horse Per-die

افعال ناگذرا قبل از افعال لازم در این پیوستار قرار دارند، زیرا تنها یک موضوع دارند که عملی بر آن انجام شده و عامل انجام عمل فعل در جمله بیان نمی شود و عموماً نیروی غیرارادی است؛ برای مثال:

23. a) ʔâv ʔebe آب ریخت.
 water pour:Pst
 b) šiša bə-škis. شیشه شکست.

- glass Per-break
 c) lâv garm lâbe. آب گرم شد.
 water warm become:Pst
 d) golə xəšk lâbind گل‌ها خشک شدند.
 flower dry become:Pst:3pl

۴-۲- ارادی بودن

موضوعی که عامل انجام فعل است، به‌طور ارادی سبب می‌شود موضوع دیگری عملی را انجام دهد یا در آن تغییری رخ دهد (لیکاف، ۱۹۸۷: ۵۵-۵۴). عمل سببی که غیرداوطلبانه و فاقد کنترل باشد، دارای درجه سببی پایین‌تری است. از این حیث میزان سببی بودن افعال ناگذرا از افعال سببی کمتر است و در افعال ناگذرا عمل مورد نظر عمدتاً خودبه‌خود و بدون دخالت عمدی یک عامل انجام می‌گیرد. چون در ساخت ناگذرا عامل وجود ندارد، پس نباید با قیدهایی که به عامدانه بودن فعل اشاره دارند به‌کار رود. در ساخت‌های ناگذرا قیدی با معنای خودبه‌خود کاربرد دارد که نشان می‌دهد عاملی برای انجام این عمل وجود ندارد. قیدهایی که به عامدانه بودن عمل و عمدی بودن آن از سوی عامل اشاره دارند، در جملات معلوم و ساخت مجهول متناظر آنها کاربرد دارند:

24. a) šiša ləšta rā bə-šk-i-s. فعل ناگذرا: شیشه خود بخود شکست.
 glass itself Obl Per-break-Inc-Pst
 b) lali šiša bə-šk-əs. فعل سببی: علی شیشه را شکست.
 Ali glass Per-break-Pst
 c) šay ləšta rā pezar-i-s. فعل ناگذرا: پیراهن خود به خود پاره شد.
 shirt itself Obl tear-Inc-Pst
 d) lâl šay-əš pezâr-n-əs. فعل سببی: علی پیراهن را پاره کرد.
 Ali shirt-clitic tear-cause-Pst

۴-۳- حضور در یک بند

اگر موضوعات فعلی در یک بند جمله واقع شده باشند، ساخت جمله سببی‌تر است و عمل سببی به‌صورت مستقیم بر کنشگر رخ داده‌است؛ بازتاب مستقیم بودن عمل سببی را می‌توان در نزدیک شدن بیشتر سبب و تأثیر آن در قالب فعل مشاهده کرد (کامری، ۱۹۸۹: ۱۷۲-۱۷۱). ناهم‌پوشی زمانی و مکانی عمل مورد نظر در ساخت سببی غیرمستقیم و وجود دو گزاره/بند بازتاب می‌یابد:



25. a) xərdanân bə-xur-əs-ind. فعل لازم غیرسببی: بچه‌ها خندیدند.
children Per-laugh-Pst-3pl (خندیدن xurəsən)
- فعل متعدی سببی ساخته شده از طریق وندافزایی:
- b) dalqak-ə xərdanân bə-xur-âvən-əs. دلکک بچه‌ها را خندانند.
clown-Obl children Per-laugh-cause-Pst (خنداندن xurâvənəsən)
- c) xərdanân kârton bind, xurəsân îâgənəs-ind فعل مرکب لازم:
children cartoon see:Pst laughter start:Pst-3pl
(به خنده افتادن ناگهانی /îâjâmen xurəsân îâgənəsən).
بچه‌ها با دیدن کارتون به خنده افتادند (تحت‌اللفظی: بچه‌ها کارتون دیدند، به خنده افتادند).
- فعل مرکب متعدی سببی ساخته شده با فعل کمکی:
- d) kârtunə xərdanân xurəsân îâjand. کارتون بچه‌ها را به خنده انداخت.
cartoon children laughter cause:Pst (به خنده انداختن xurəsân îajandən)
- فعل سببی تحلیلی:
- e) kârtun bâis bəbe xərdanə bə-xurənd.
cartoon cause become:Pst children Per-laugh
کارتون باعث شد بچه‌ها بخندند.
- لازم به ذکر است که در تاتی فعل «باعث شد» برای غیرجاندار به کار نمی‌رود و جمله
بالا در زبان تاتی طبیعی محسوب نمی‌شود، در عوض جمله زیر را می‌توان به عنوان جمله
طبیعی این زبان ذکر کرد:
26. a) İa bâis bəbe İama razə ku damaşam.
he cause become:Pst we garden to enter
او باعث شد ما وارد باغ نشویم.
- b) İavə našt İama razə ku damaşam. او نگذاشت ما وارد باغ شویم.
he not allow we garden into enter

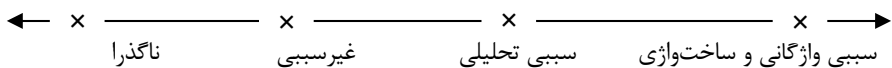
۴-۴- تغییر مکان یا حالت یا تغییر فیزیکی

در ساخت سببی، عمل عمدتاً عامدانه و هدفمند عامل سبب می‌شود تغییر حالت یا مکان در فرد یا شیء دیگر یعنی مسبب رخ دهد، اما در فعل‌های غیرسببی، عمل فعل سبب تغییر مکان یا حالت یک شرکت کننده دیگر فعل نمی‌شود و در افعال ناگذرا، تغییر

مکان یا حالت رخ می‌دهد، اما از روی عمد نیست (لیکاف، ۱۹۸۷: ۵۵-۵۴ و هاپر و تامپسون، ۱۹۸۰: ۲۶۱). جملات ۲۷ تغییر مکان یا حالتِ عامدانهٔ یک شرکت‌کننده در اثر عمل یک شرکت‌کننده دیگر در افعال سببی را نشان می‌دهد:

27. a) modir-ə kitâv pâra bæ-kard. سببی - تغییر حالت: معلم کتاب را پاره کرد.
teacher-Obl book tear Per-do:Pst
- b) modir-ə čəmân xâv marsa bəvard. سببی - تغییر مکان: معلم خواهرم را به مدرسه برد.
teacher-Obl my sister school take:Pst
- c) l'avə l'avəš garm l'akard. سببی - تغییری حالت: او آب را گرم کرد.
he water warm do:Pst
- d) Hasan bašše. غیرسببی: حسن رفت.
Hasan go:Pst
- e) lâfənd l'əšta râ pevs-i-s. ناگذرا: طناب خودبه‌خود پاره شد.
rope itself Obl tear-Inc-Pst

براساس بحث‌های مطرح، سببی‌بودن یک پیوستار است. مجموع چهار ویژگی ذکرشده در بخش چهار، یعنی تعداد شرکت‌کنندگان، ارادی‌بودن، حضور در یک بند و تغییر مکان یا حالت یا تغییر فیزیکی، جایگاه هر فعل در پیوستار سببی را مشخص می‌کند. پیوستار زیر بر این اساس پیشنهاد شده است:



بر این اساس، افعال سببی مستقیم، به عبارتی دیگر، سببی‌های واژگانی و ساخت‌واژی همهٔ ویژگی‌های ذکرشده را دارند و در سوی سببی پیوستار قرار دارند؛ زیرا دارای دو شرکت‌کننده هستند، به‌طور ارادی سبب انجام عملی از سوی یک شرکت‌کننده بر شرکت‌کنندهٔ دیگر می‌شوند، سبب و نتیجهٔ آن در یک بند قرار دارد و بر اثر عمل سببی فعل، تغییر مکان یا حالت یا تغییر فیزیکی در کنش‌پذیر رخ می‌دهد.

افعال سببی تحلیلی، سببی غیرمستقیم محسوب می‌شوند و درجهٔ سببی کمتری دارند، زیرا دست‌کم یکی از ویژگی‌ها، یعنی ویژگی حضور در یک بند را ندارند. افعال غیرسببی میزان سببی‌بودن بسیار کمتری دارند، زیرا ممکن است فقط دارای یک

شرکت کننده باشند، عمل ارادی فعل سبب تغییر مکان یا حالت یا تغییر فیزیکی از سوی یک شرکت کننده بر شرکت کننده دیگر نمی‌شود و در برخی موارد در یک بند قرار ندارند. افعال ناگذرا، در طرف دیگر طیف و مقابل افعال سببی واژگانی و صرفی قرار می‌گیرند، زیرا تعداد شرکت کنندگان در آنها یک است و عملی ارادی انجام نمی‌شود، فاعل نمی‌تواند عامل باشد و کنش‌پذیر است و فقط در یک بند به کار می‌روند.

۵- نتیجه‌گیری

در تاتی ساخت‌های مختلف سببی به کار می‌رود که شامل سببی‌های تحلیلی، ساخت‌واژی و واژگانی‌اند. سببی بودن یا نبودن در زبان تاتی یک برش دوگانه نیست بلکه یک پیوستار است. سببی بودن در این زبان تنها خاص فعل نیست و صرفاً براساس فعل نمی‌توان گفت که جمله‌ای سببی است یا نه. برای تشخیص میزان سببی بودن یک جمله باید تمام عناصر جمله به لحاظ ویژگی‌های ساخت سببی بررسی شوند و از مجموع آنها مشخص شود که آن جمله تا چه حد سببی است و هر جمله براساس ویژگی‌های مختلف آن در جایی از پیوستار سببی قرار می‌گیرد.

پی‌نوشت:

۱- از جناب آقای دکتر جهان دوست سبزعلی‌پور که در تهیه مثال‌های زبان تاتی کمک شایانی کردند، سپاس‌گزاریم.

۲- به باور اسلامی جمله ۱۶ ساختاری ناگذرا دارد، فعل با ماده‌ساز ناگذرای -esd ترکیب شده و موضوع کنشگر نیز در آن وجود دارد. افعالی که در این ساختار پسوند -esd دریافت می‌کنند، افعالی غیرارادی هستند، زیرا کسی تصمیم و اراده به انجام آنها ندارد. این دسته افعال در بختیاری توانایی مجهول شدن را ندارند. برای مثال فعل «čakesdan» در مثال ۱۶ فعلی غیرارادی است و زمانی استفاده می‌شود که عمل خود به خود و بدون دخالت عامل انجام شده باشد. در عوض در این جملات می‌توان سبب را به همراه حرف اضافه a (از) به کار برد (اسلامی فارسانی، ۱۳۹۰: ۷۸). برای مثال:

band a sarma čak-esd. طناب از سرما قطع شد.

همچنین آوردن نتیجه یا قصد از انجام عمل در جملات ناگذرا سبب غیردستوری شدن آنها می‌شود:

* band a sarma čak-esd ta čiya berizen.

طناب از سرما قطع شد به منظور اینکه وسایل بریزند.

در این جملات می‌توان قید «خودبه‌خود» را به‌کار برد و در صورتی که قید «عمداً»

استفاده شود، باید با آن تنها فعل مجهول به‌کار رود تا جمله دستوری باشد (همان:

۷۹). برای مثال:

čina a ri Gasd romnide vaid.

مجهول - دیوار عمداً خراب شد.

čine xod be xod rom-esd.

ناگذرا - دیوار خودبه‌خود خراب شد.

پیوست ۱ - کوتاه‌نوشته‌های مورد استفاده در آوانگاری‌ها

Clt	clitic	واژه‌بست
Inc	incoative	ناگذرا
Obl	oblique	حالت غیر فاعلی
Pas	passive	مجهول
Per	perfect	ماضی نقلی
Pl	plural	جمع
Ps	postposition	حرف اضافهٔ پسین
Pres	present	حال
Pst	past	گذشته
Sg	singular	مفرد
Sub	subjunctive	التزامی

منابع

- ابوالقاسمی، محسن (۱۳۸۸)، دستور تاریخی مختصر زبان فارسی، تهران: سمت.
- اسلامی فارسانی، محسن (۱۳۹۰)، ساخت ناگذرا در بختیاری، پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه کردستان.
- دبیرمقدم، محمد (۱۳۸۴)، پژوهش‌های زبان‌شناختی فارسی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- راسخ‌مهند، محمد (۱۳۸۸)، گفتارهایی در نحو، تهران: مرکز.
- رضایتی کیشه‌خاله، محرم و جلاله‌وند آکامی، مجید (۱۳۹۰)، «فعل مجهول در زبان‌ها و گویش‌های ایرانی»، فصلنامهٔ ادب‌پژوهی، سال پنجم، شماره ۱۶، صص ۳۴-۹.
- زاهدی، کیوان و خوشبخت قهرخی، ساحل (۱۳۸۹)، «شمایل‌های سببی در زبان فارسی»، فصلنامهٔ پژوهش‌های زبان و ادبیات تطبیقی، دوره ۱، شماره ۴، صص ۱۵۳-۱۳۱.

- سبزیعلیپور، جهاندوست (۱۳۸۸ الف)، بررسی تطبیقی ساخت فعل در گویش‌های تاتی (خلخال)، تالشی و گیلکی، رسالهٔ دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه گیلان.
- _____ (۱۳۸۸ ب)، «ساختمان فعل در گویش تاتی خلخال»، مجلهٔ زبان‌شناسی، سال بیست و سوم، شمارهٔ ۲، صص ۳۹-۶۲.
- _____ (۱۳۹۰)، فرهنگ تاتی، رشت: فرهنگ ایلیا.
- _____ (۱۳۹۱)، بررسی تطبیقی ساخت فعل در گویش‌های تاتی، تالشی و گیلکی، رشت: پژوهشکدهٔ گیلان‌شناسی دانشگاه گیلان.
- گلفام، ارسلان و بهرامی‌خورشید، سحر (۱۳۸۸)، «سببی‌سازی و تصویرگونگی: رویکردی شناختی»، زبان‌پژوهی، سال اول، شمارهٔ ۱، صص ۱۴۳-۱۶۶.
- Alexiadou, A.; Angagnostopoulou, E. & Florian Schafer (2006), "The properties of anticausatives crosslinguistically". In: M. Frascarelli (ed.), Phases of Interpretation. Berlin: Mouton.
- Comrie, B. (1989), Language Universals and Linguistic Typology. Oxford: Blackwell.
- Croft, W. (2003), *Typology and Universals*, 2nd ed. Cambridge: Cambridge University Press.
- Gilquin, Gaëtanelle (2006), "The place of prototypicality in corpus linguistics: Causation in the hot seat". In: Gries S. Th.; Stefanowitsch A., Corpora in Cognitive Linguistics: Corpus-based Approaches to Syntax and Lexis, Berlin, Heidelberg, New York, P.159-191.
- Givon, Talmy (1991), "Isomorphism in the grammatical code: Cognitive and biological considerations". *Studies in Language* 15 (1): 85-114.
- _____ (1991), "Isomorphism in the grammatical code: Cognitive and biological considerations". *Studies in Language* 15 (1): 85-114.
- Haiman, John (1983), "Iconic and Economic Motivation". *Language*. 59: 781- 819.
- Haspelmath, Martin (1993), "More on the typology of inchoative/ causative verb alternations". In: *Causatives and Transitivity*, Bernard Comrie and Maria Polinsky (eds.), Amsterdam, 87-120.
- _____ (2002), *Understanding Morphology*. London: Arnold.
- _____ (2008), "Frequency vs. iconicity in explaining grammatical asymmetries" In: *Cognitive Linguistics*". 19.1:1-33.
- Hopper, Paul J. and Sandra A. Thompson (1980), "Transitivity in Grammar and Discourse". *Language*. 56: 251-299.

- Lakoff, George (1987), *Women, Fire, and Dangerous Things. What Categories Reveal about the Mind.* Chicago/London: The University of Chicago Press.
- Yar-shater, E. (1969), *A Grammar of Southern Tati Dialects.* Paris: Mouton, The Hague.